

امروز نیکسونی نیست که دانش‌آموزان و دانشجویان را بیاورند تا پرچم برایش تکان دهند و دانشجویان ما 16 آذر ذبح شوند به روی پای رئیس جمهور آمریکا.

حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران:



حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران در مراسم افتتاحیه همایش حوزه‌های بسیج دانشجویی 210 دانشگاه برتر ایران اظهار داشت:

بسیج تفکری دینی و اسلامی است، ساختاری است که شاکله جهاد و سعادت این جامعه را در خود متبلور می‌سازد. بسیج یک تشکل بدون قطب، بی‌انتها، بی‌کرانه با خاصیت نهایت‌ناپذیری است.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از تسنیم، وی افزود:

هندسه فکری انقلاب در عرض و طول سیال این حقیقت عظمی می‌درخشد، بی‌مرز است، بسیج بی‌حصار است و در افقی پهناور حرکت می‌کند، همانند خورشید به همه اهل زمین گرمابخش است به همه نور می‌افشاند همانند قطرات طراوت‌بخش باران بر تن همگان می‌بارد. این چنین تشکلی در هیچ نقطه‌ای از عالم وجود ندارد، شاید تکرارناپذیر به دلیل موقعیت خاص انقلاب فقط متعلق به این حالت از تفکر و اندیشه است. میدان رشد آن سرزمین انقلاب است. در سرزمین انقلاب این شجره رشد می‌کند و ثمر می‌دهد و این یک واقعیت مسلم است که ما در طول این چهل‌وسه سال انقلاب که بنده حقیر و بخشی از دوستانی که در این جمع حضور دارند این توفیق را داشته‌ایم که نظاره‌گر تمام حوادث تلخ و شیرین و همه فرازونشیب‌های این سال‌های پر حماسه و پرحادثه بوده باشیم و با نقش‌آفرینی‌های بسیج آشنا شده باشیم و آن را از نزدیک در میدان دیده باشیم. ما از تاریخ تاریکی متولد شده‌ایم از تاریخی که سیطره استعمار و استبداد 10ها سال و 100ها سال بر این سرزمین، انجماد فکری ایجاد کرده بود یعنی یک ملت در جمود فکری در انجماد اندیشه در یخبندان آگاهی، در تیرگی جهل، در ظلمت جهالت مدرن زندگی می‌کردند ما این حالتی داشتیم به خصوص در آن سال‌های مبتنی بر انقلاب که اندیشه غرب به تدریج در حال تبیین شدن به یک مدل در کشور ما می‌شد و هویت ملی و هویت اسلامی و دینی این ملت را غارت می‌کرد و اجازه تفکر پیرامون سرنوشت خود را نمی‌داد. ساختن سرنوشت در یک جامعه زمانی اتفاق می‌افتد که رهبران یک جامعه منشأ تولید تفکر برای اداره آن باشند یعنی جایی که تفکر استراتژیک - به تعبیر امروزی تفکر راهبردی - وجود داشته باشد ملت بر سرنوشت خود حاکم است.

این ایران است که آمریکا را مدیریت می‌کند. نباید به حرف‌های شیاطین و دشمنان گوش کنید. این سخنان همه دروغ است. فضای مجازی را از دروغ، شایعه، اکاذیب و جوسازی‌های مسموم پر کرده‌اند

وی اضافه کرد:

در دوران حاکمیت طاغوت این ملت از سطح تفکر راهبردی محروم بود به ما حداکثر ارتفاعی که در اندیشه می‌دادند عملیات بود، شما وقتی سطوح مدیریت را می‌خوانید سه سطح تاکتیکی، راهبردی و عملیاتی می‌بینید. سطح تاکتیکی فیزیکی‌ترین نوع تفکر است که به اجرای اندیشه‌ها می‌پردازد، سطح استراتژیک عالی‌ترین سطح تفکر است که اولویت‌ها و سیاست‌ها و

جهت‌گیری‌های اساسی را تعیین می‌کند و به تعیین هدف‌های اساسی می‌پردازد و مسیر و طریق دستیابی به هدف‌ها را با استفاده از ظرفیت‌ها و ابزارهای موجود ممکن می‌سازد. یک سطح واسطه‌ای وجود دارد که اندیشه سطح استراتژیک را دریافت می‌کند و آن را به سطح تاکتیکی ترجمه می‌کند و به آن سطح واسطه و عملیاتی می‌گویند. در مدیریت سیاسی ما و هم در مدیریت اقتصادی و فرهنگی و هم در ابلاغات و فعل و انفعالات نظامی و امنیتی این سطوح تعریف شده است. تقریباً در همه عالم نیز این تقسیم‌بندی به تفکیکی سطوح وجود دارد. چون شما اهل اندیشه هستید محمل آگاهی هستید، معیار و میزان فکر برتر در جامعه هستید، اندیشه‌ورزی می‌کنید با فضای استبداد سروکار دارید، این مباحث مهم است. ایران فاقد سطح استراتژیک تفکر بود و این حالتی که دشمن تحت این عنوان "جداسازی بین ذهن و جسم" ایجاد می‌کند تا با استفاده از ذهن منفصل در نقطه دوردست تحرکات فیزیکی یک جامعه را در کنترل بگیرد این دقیقاً در دوران قبل از انقلاب واقعیت داشت یعنی ذهن متصل ایرانی به جسم ایرانی متصل نبود به تعبیری این تفکر بای‌پس می‌شد از نقطه مبدأ که غرب بود اندیشه سرنوشت برای ایران شکل می‌گرفت و ایرانی‌ها کارگزار تفکری بودند که غربی‌ها قوه آن بودند. در چنین فضایی زندگی می‌کردیم یعنی ما بخشی از نقشه جغرافیای سیاسی غرب بودیم، یک ایالت منفصل اما در جغرافیای سیاسی غرب توصیف می‌شدیم یعنی استقلال سیاسی وجود نداشت، استقلال سیاسی یعنی اینکه یک کشور نباید برای خود تعیین خط‌مشی و تعیین موقعیت در دستگاه مختصات بین‌المللی کند، نه اینکه وضعیت او را در دستگاه مختصات جهانی، قدرت دیگری تعیین کند، مسیر حقیقت او را قدرت دیگری بسازد یعنی اگر کشوری در میدان جاذبه مرکزی قدرت دیگری قرار گرفت و تحت تأثیر جاذبه سیاسی او عمل کرد این فاقد استقلال سیاسی است. کشوری که استقلال سیاسی ندارد فاقد استقلال فرهنگی، اقتصادی، علمی، امنیتی و دفاعی است و ما این‌گونه بودیم، ما بخشی از سیاست ستون‌های دوگانه آمریکا در منطقه بودیم تحت عنوان "دکترین ستون‌های دوگانه" یا دکترین لولاهای دوگانه، این دو که پاشنه سیاست‌های آمریکا را شکل می‌داد ایران و عربستان سعودی بودند اما عربستان سعودی آن زمان قدرت قابل‌توجهی نبود کما اینکه امروز هم نیست. ایران بود که به دلیل موقعیت جغرافیایی، وسعت و قدرت اقتصادی می‌توانست به‌عنوان یک ناقل منطقه‌ای برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا عمل کند این بهترین لقبی بود که به ایران می‌دادند همانند لقبی که در جنگ جهانی به ایران دادند تحت عنوان "پل پیروزی" یعنی ارتش‌های متحدین و متفقین از آن می‌گذشتند و آن زمان این‌گونه بود. ایران بزرگ که صاحب قدمت و تمدن در جهان بود تبدیل شده بود به پل پیروزی، به ستون برای سیاست‌های آمریکا، این‌گونه بود و یک بعثت همان‌گونه که بعثت اولیه اسلام از آن دوران تیره جاهلیت اولی سر برآورد و قیام آزادی، هویت، کرامت و عدالت سرداد و اسلام آمد تا غل و زنجیر اسارت را از دست و پای این بشر یاز کند، اجتناب از طاغوت را به انسان بیاموزد و اندیشه خدا را به او یاد بدهد به همان شکل اسلام در فضای انقلاب اسلامی آمد تا این بار جهالت مدرن و ضلالت مدرن را از بین ببرد و وادی نور را برای بشریت باز کند و این قدرت‌های شیطانی را از سیطره بر مسلمانان دور کند. انقلاب آمد تا اندیشه دینی را به یک مدل و الگویی از حکومت تبدیل کند و نظام اسلامی مدل نقش دین در اداره جامعه بود و این بدین معناست که دیگر ایران و بعد با صدور ارزش‌های انقلاب، مسلمانان دیگر سرزمینشان تحت سیطره قدرت‌های بزرگ قرار نخواهد گرفت. اساس جنگ دشمن با ما از روز تولد انقلاب تا به امروز جلوگیری از شکل‌گیری یک مدل موفق براساس اندیشه اسلامی بود و این جنگ برای همین است چرا که وقتی یک اندیشه به مدل تبدیل می‌شود اثبات می‌شود و قابلیت تکثیر پیدا می‌کند، سرزمین‌های وسیعی را تحت سیطره خود می‌گیرد و تکرار می‌شود، تولید مثل می‌کند و مثل خود را تولید می‌کند و از اول تا امروز این‌گونه بود و این 43 سال سرشار از تاریخ یک جنگ جهانی پیوسته بلانقطاع بوده است. هیچ لحظه‌ای در این 43 سال نیست که ما با دشمنان یا در فضای واقعی و یا در محیط ذهن و روح درگیر نباشیم، دیروز نظریات غربی را نسبت به انقلاب می‌خواندم یکی از نظریه‌پردازان قدرتمند غربی می‌گفت: "انقلاب اسلامی ایران روح جدیدی بود برای جهان بی‌روح"، این واکنشی که نظام جهانی، نظام سلطه و نظام استکبار از خود نشان داد، خارج شدن از پوسته سلب حاکمیت امپراطوری‌ها در دوره تولد انقلاب بود که قدرت‌های بزرگ در اوج شکوه خود بودند.

خیلی‌ها می‌خواهند سیمای انقلاب را تیره‌وتار نشان دهند و از حاکمیت طاغوت تمجید می‌کنند اما نمی‌دانند رهبری که با جانبازی و زهد و مناجات شبانه و شجاعت علوی(ع) در برابر دشمن ایستاد و کشور را به استقلال حقیقی رساند چه محشری به‌پا کرده است.

فرمانده کل سپاه گفت:

آمریکایی که امروز می‌بینید با آمریکای اول انقلاب زمین تا آسمان فاصله دارد آن زمان 40 درصد اقتصاد جهان و ثروت جهان دست او بود با قدرت نظامی بی‌سابقه و نفوذ و تسلط سیاسی فوق‌العاده، قدرتی که توانست در 45 سال رقابت شوروی را از صحنه سیاسی خارج کند، بمب‌های هسته‌ای او در ناگازاکی و هیروشیما منفجر شده بود و تمام اروپای غربی تحت سیطره سیاسی او بود. تمام موقعیت‌های استراتژیک جهان دست او بود و بر تمام نهادهای سیاسی مسلط بود امروز این تسلط وجود دارد اما با ارتفاعی کمتر. آمریکای امروز از آمریکای 43 سال پیش بسیار ضعیف‌تر است و در موقعیت نسبی ما و او این ناهم‌ترازی به تدریج در حال تبدیل شدن به هم‌ترازی است. در میدان تاثیر و شعاع تاثیر در موازنه تأثیر و موازنه خطر آری اما در موازنه قدرت فیزیکی همچنین این نابرابری با فاصله کمتری وجود دارد. فاصله قدرت که بسیار کم شده است اما هنوز او برترین قدرت اقتصادی جهان است و هنوز نیمی از قدرت نظامی جهان را در اختیار دارد، هنوز نیمی از نفوذ سیاسی او غالب است اما نه مثل گذشته و رقیب او که امروز علاوه بر چین و روسیه و برخی دیگر از کشورها ایران قدرتمند است این فاصله را بسیار کم کرده است بنابراین آن‌ها در آن زمان وقتی که انقلاب مراحل اولیه حیات خود را می‌گذراند آمدند تا انقلاب را بشکنند و دوباره به سرنوشت تاریخ کشور ما برگردند و دوباره این مدل سلطه را تکمیل کنند، چون یک حفره در میدان نفوذ آن‌ها ایجاد شده بود، بسیج کجا نقش آفرید؟ بسیج همه‌جا بود، در خشی کردن تمرکز قوای دشمن بر قلب این سرزمین نقش اول را بازی کرد، آمریکایی‌ها می‌دانستند که جهان اسلام قلب سرزمین است، قلب سیاره زمین است و می‌دانستند که ایران، قلب این قلب است و در نقطه مرکزی قرار دارد، اگر موتور قدرت بر این میدان روشن شود آن‌ها از تراز قدرت جهانی

نزول می‌کنند. همه می‌دانند برای جهانی شدن قدرت باید منطقه جهان اسلام را در اختیار داشته باشند و بدون در اختیار داشتن این سرزمین هیچ‌گاه جهانی نمی‌شوند چرا که اقتصاد، انرژی، موقعیت و فرهنگ، همه در این منطقه است و هنر انقلاب اسلامی برهم زدن این توازن بود، ایجاد یک میدان توازن جدید بود، اضافه کردن یک ضلع به هندسه قدرت بود و این ناپسند بود حتی برای شوروی، چرا در جنگ آمریکا و شوروی به هم پیوستند و مقابل ما ایستادند؟ اروپا، آمریکا، شوروی آن‌زمان، شوروی‌ای که 102 لشکر زرهی داشت. آمریکا، شوروی، اروپا و اعراب همه بودند و 8 سال متمرکز شده بودند روی ایران و ما باید در حالی که در اوج نابرابری بودیم با آن‌ها می‌جنگیدیم، این سپاهی که امروز می‌بینید آن روز بسیار کوچکتر و غیرمجهزتر از امروز بود. امروز شما یک چهره جهانی از قدرت می‌بینید آن روزها ما در ابتدای شکل‌گیری بودیم و باید با همه جهان می‌جنگیدیم در میدان روی زمین، هروقت عملیات می‌شد انگار بارش افقی آتش روی زمین جریان داشت تا خط شکسته می‌شد و باید از یک میدان چندکیلومتری از یک سیم‌های خاردار حلقوی و خطی و کمین‌های در مسیر می‌گذشتیم و زیر رگبار آتش که احتمال نداشت هیچ‌کس سالم از این مسیر خارج شود و در چنین شرایطی باید خطوط شکسته می‌شد و دشمن را عقب می‌رانیدیم و تمرکز دشمن را از این سرزمین برمی‌داشتیم. این‌گونه ایران شکل گرفت و اسلام به قدرت رسید و حاکمیت را شکل داد، پس از یک‌هزار و چند صد سال دوباره اسلام قدرت آفرید و حاکمیت ایجاد کرد و با قدرت‌ها دست و پنجه نرم کرد و فریاد آزادی سر داد و همه قدرت‌های حاکم را به چالش کشید، فراتر از اعجاز و تصورات ذهن، و قابل توجه و توصیف نیست اتفاقاتی که افتاده است. بسیج در آنجا نقش آفرید، جوانانی که میدان جهاد را بر کلاس درس ترجیح دادند، دانشجویان خیلی زیادی به میدان آمدند و شهید شدند و برنگشتند و صندلی آنها خالی ماند تا امروز بتوانیم کلاس‌های درس‌مان را با آرامش و امنیت، با اقتدار، اعتبار و عزت دایر کنیم و کشوری داشته باشیم که در آن حتی یک آمریکایی هم وجود ندارد و قبل از انقلاب 40 هزار مستشار آمریکایی تمام ارکان این جامعه را اداره می‌کردند، وقتی پایگاه هوانیروز اصفهان را ترک می‌کردند می‌گفتند "ما به زودی برمی‌گردیم"، حتی برای یک قطب‌نما و تجهیزات ساده برای هدایت آتش توپخانه افسران ما می‌رفتند آمریکا و برمی‌گشتند و تعمیرات بسیاری از سیستم‌ها را جوانان ما حق نداشتند انجام بدهند و شاه ایران برای دیدن پایگاه آمریکا در شمال کشور به درب پایگاه رفت اما او را منتظر نگه‌داشتند و سرانجام امکان بازدید را برای او فراهم نکردند. امروز فرش قرمزی وجود ندارد، نیکسونی نیست که در خیابان‌های تهران سوار جیب حرکت کند و دانش‌آموزان و دانشجویان را بیاورند تا پرچم برایش تکان دهند و دانشجویان ما 16 آذر ذبح شوند به روی پای رئیس جمهور آمریکا. بسیاری تاریخ گذشته را نمی‌دانند که از چه فضای تاریکی هجرت کرده‌ایم و خداوند بر انقلاب نور بخشید، امروز ما عزیز هستیم. امروز از ایرانی سخن می‌گوییم که در ابعاد مختلف یک قدرت معتبر جهانی است، در محاصره، تحریم و فشار برای انزوا در عالم معتبر است، به رهبری فکر کنید که بزرگترین سرمایه ماست و ما را در این رقابت قدرت از دشمنانمان فاصله می‌اندازد و به نوعی از میدان آن‌ها جدا شویم و سبقت بگیریم، این رهبری بود. هنر انقلاب در این بود که قبلاً آمریکایی‌ها از راه دور سیاستشان در ایران عمل می‌کردند، همه هزینه می‌کردند و آمریکایی‌ها منفعت می‌بردند اما مدیریت و هدایت الهی رهبران بزرگ انقلاب ما حضرات امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب این دو موهبت عظمی بود، کاری که این دو پیشوای بزرگ انجام دادند دشمن را از پناهگاه راهبردی خارج کردند و تمرکز دشمن را از این سرزمین به هم زدند و سیاست و راهبرد دشمن را دچار فروپاشی کردند و کشور آزاد شد و دشمن را تهدید کردند و جبهه وسیعی شکل دادند. در سرزمین‌های دور و نزدیک ساختمان قدرت اسلام را وسعت بخشیدند، در شرق مدیترانه قدرت‌سازی کردند و روحیه و تفکر بسیجی، میان جوانان انقلابی لبنانی پیشانی‌بندها را دوباره بر پیشانی بستند و جوانان سوریه، عراق و یمن و افغانستان روی کار آمدند و قدرت دشمن به تدریج فرسایش پیدا کرد و ساییده شد و امروز آمریکا 750 پایگاه نظامی در 83 کشور جهان دارد، و امپراطوری‌ها هرگاه به پدیده گسترش بیش از حد گرفتار شوند فرو می‌پاشند و تمدن رم و بریتانیا و پرتغال به دلیل گسترش بیش از حد قدرت نظامی فروپاشیدند، انقلاب سبب شد گسترش یابند و صدها هزار نیروهای نظامی را در مناطق مختلف پراکنده کنند و انقلاب باعث شود هیچ موفقیّت نظامی دشمن به منفعت سیاسی تبدیل نشود و نتواند رابطه‌ای بین این دو مفهوم ایجاد کند و باعث شد هزینه‌های او بر دستاوردها پیشی بگیرد وقتی از 8 تریلیون دلار، هزینه نظامی آمریکا در منطقه سخن می‌گویید این یعنی به‌اندازه صد سال دلارهای نفتی عراق و وقتی کشوری به این موقعیت می‌رسد منحنی زوال او آغاز می‌شود و شیب این قدرت نزولی می‌شود. این خاصیت انقلاب است و بعد هنر انقلاب این است که به‌گونه‌ای عمل می‌کند که دشمن مجبور می‌شود ساختارهای قدرتی را که ساخته است خود از بین ببرد همان‌گونه که در افغانستان، آمریکا مجبور شد با طالبان بجنگد، در جایی دیگر با القاعده بجنگد و با صدام بجنگد و راه را برای نفوذ انقلاب اسلامی هموار کند، در سوریه انتشار تروریسم بدهد تا فرصت برای ساختن قدرت مکمل جمهوری اسلامی فراهم شود تا در یمن علیه یمنی‌ها عمل کند تا فرصت برای ساختارهای متکی بر انقلاب فراهم شود و امروز در آستانه پیروزی قرار بگیرد. هنر انقلاب این است و این یعنی فرسایش قدرت، شما می‌دانید که در رقابت سیاسی منطقه‌ای آمریکایی‌ها جایگاهی در منطقه ندارند و در حاشیه هستند و در عراق و چند پادگان کوچک محاصره هستند و در سوریه تنها در حلب و در یک جزیره محصورند و در افغانستان آن‌طور که دیدید فرار کردند و در یمن در حال شکست خوردن هستند و این یعنی نزول قدرت به‌تعبیر خود آمریکایی، وقتی آنها منطقه را ترک می‌کنند این خلأ را چه کسی پر می‌کند و انقلاب باعث شد دچار فرسایش شوند. آنچه در فضای تحریم ساختیم قبل از آن نداشتیم. مشکلات اقتصادی هست اما این مشکلات در آمریکا هم وجود دارد. آمریکا بیش از 40 میلیون کارتن‌خواب دارد و 50 میلیون گرسنه. ما هم مشکلاتی داریم اما کشور در حال ساخته شدن است. خیلی‌ها می‌خواهند سیمای انقلاب را تیره‌وتار نشان دهند و از حاکمیت طاغوت تمجید می‌کنند اما نمی‌دانند رهبری که با جانبازی و زهد و مناجات شبانه و شجاعت علوی(ع) در برابر دشمن ایستاد و کشور را به استقلال حقیقی رساند چه محشری به‌پا کرده است. مردم آگاهانه ایستاده‌اند و عملیات‌های دشمن در اراده آنان تأثیری ندارد. ما آوارگی و خطای ملت‌هایی را که در دفاع از ارزش‌هایشان کوتاهی کرده‌اند، دیده‌ایم و می‌دانیم که اگر ملتی اشتباه کند ممکن است یک بار برای همیشه از جغرافیای سیاسی جهان محو شود. آن که چهره ملت را سفید کرد و اجازه نداد پیش‌بینی دشمن درست دربیاید و با جهاد خود سیحری دشمن را باطل کرد همین تفکر بسیجی بود که امروز می‌درخشد و ما را سربلند کرده و سبب شده است از هیچ قدرتی ترسیم. دشمن می‌خواهد از حوادث و اشتباهات ما رویداد بسازد، این کشور غنی است، ما در محاصره هستیم و وقتی می‌خواهیم لبنان را از فشار اقتصادی درآوریم، کشتی‌های ما را نمی‌توانند بزنند، این ایران است که آمریکا را مدیریت می‌کند.

مشکلات اقتصادی هست اما این مشکلات در آمریکا هم وجود دارد. آمریکا بیش از 40 میلیون کارتن خواب دارد و 50 میلیون گرسنه. ما هم مشکلاتی داریم اما کشور در حال ساخته شدن است.

سلامی ادامه داد:

شما دانشجویان چهره‌های آینده انقلاب هستید و نباید به حرفهای شیاطین و دشمنان گوش کنید، این سخنان همه دروغ است که فضای مجازی را از دروغ، شایعه، اکاذیب و جوسازی‌های مسموم پر کرده‌اند و نباید در بازی روانی دشمن قرار بگیریم. امروز سیاست دشمن تسخیر قلب‌هاست که می‌خواهد از غیرآمریکایی هم آمریکایی بسازد تا در فرهنگ، اندیشه و عمل، رفتار آمریکایی داشته باشد و ما باید با شناخت سیاست و راهبرد آنها مقابل آنها بایستیم. آنها می‌خواهند از خطاهای ما سوءاستفاده کنند، رویداد بسازند و روایت‌های غلط از حوادث درست ارائه دهند. در هر موضوع موفقی که تولید می‌کنیم باید تلاش کنیم تا آن را اثبات کنیم چون دشمن همیشه در برابر توفیقات ما می‌ایستد و به‌هرنحوی تلاش می‌کند ما را ناموفق نشان دهد و چشم ندارد موفقیت‌های ما را ببیند. ما سختی‌های خطرناک را پشت سر گذاشته‌ایم و سختی‌های دیگری را هم که کم‌خطر هستند پشت سر خواهیم گذاشت.

**برچسب‌ها:** [سیاه‌پاسداران](#) [1]

[بسیج](#) [2]

[دانشگاه](#) [3]

[تاریخ](#) [4]